



ت و درمان، آقای قاضی زادههاشمی در رادری ملاقاتی که از یکی از قربانیان اسیدپاشی داشت جمله جالبی گفت. این کــه ما ۴۰هزار تخت بــرای بیماران ز بین رفتن امنیت است که کسی جرأت نمی کنا يرون برود واين رانمي توان با يول حل كرد البته به اين سادگی نمی توان قضاوت کرد، فردی که عامل چنین خشونتی شده، به معنای علمی بیمار است و باید با دارو درمان شود اما مسأله کمبود تختهای بیماران روانی ر این کرد. مسأله ای است که از دهه ۷۰ مطرح شده و حتی قانونی در این مورد به تصویب رسیده که ۱۰ در صدار تختهای بیمار ستان امامخمینے (س) آن هم به صورت نصفه و

ر می از بازی کی این بازی در این می در بیمارستان دیگری اجرایی نشده است. نگاهی به مسأله اسیدپاشی نشسان می دهد که این قدام، پدیده جدیدی نیست و متاسفانه تبدیل به نوع خاصی از خشونت شده که در کشورهای دیگر مشاهده ر سی شود. آثار اسید روی چهره افراد شبیه خودسوزی نعهی شود، ادر اسیب روی چهره افران سبیبه خونسوری است: دربیایی یک نفر و بینیایی او از بین میرود، بااین کار او نمیمبرد اما تحقیر می شود. زیبایی او که عامل زندگی است و چشــم او که عامل دیدن است از بین میرود و زجــری که آن فرد می کشــد و تحقیری که می شود بسیار خشن تراز کشتن است. امروزه این ثابت شده که قتل یک فرد خشن ترین عمل نیست بلکه زجر دادن و شکنجه کُردن او خُشونت بیشتری در خُودُ دارد. از نظر علمی خشم یک احساس انسانی است و زمانی اتفاق می افتد که یا حقی از فرد ضایع شده باشد -ت.معمولاخشونت یافکر کند که حق اوضایع شده است، معمولا خشونت بر اثر خشم اتفاق می افتدو فرد آن خشم را از جایی که سد،منتقلمیکندبهجاییکه توان اعمال

خشــونت علیه زنان فقط معطوف بــه جنبههای نیزیکی نیست و یک مبحث علمی در روانپزشکی ست. این جادیگر کاری به حقوق بشر و دیدگاههای است، این جادیتر داری به حقوق بشر و دید دادهای فهینیستی نداریم و خشونت علیه زنان مثل خشونت علیه کبود کان یک مبحث علمی است که شامل جنبههای فیزیکی، جنسسی و روانی می شود. این که فرد به زنی بی احترامی و بی اعتنایی کند جنبه روانی خشونت علیه زنان است و در ادامه جنبههای فیزیکی و جنسی هم مطرح می شُـود. از انواع خشونت هایی چــون آزار دادن و متلک انداختــن در همه جای دنیا شایع است. مثلا تبعیض بین زن و مرد که حتی در کشورهای پیشرفته چون آمریکا نیز دیده میشود نوعی خشونت علیه زنان اسـت. براساس تحقیقاتی که صورت گرفته حقوق یک زن نسبت به مردی در همان جایگاه و با همان توانایی ها حتی در کشورهای پیشسرفته کمتر است. خشسونت می تواند از سوی خانواده یا غریبه ها صورت بگیرد و امروزه نوع دیگری خشـونت را در فضای مجازی به صـورت پیامهای ر رات بدرات آزار دهنده یا تحقیر آمیز می بینیم. همه اینها از متلک گفتن و بی اعتنایی کردن تاقتل و تجاوز خشونت است و اسیدپاشی بعد از همه اینها در درجه بالاتری قرار دارد. به عبارت دیگر کسی که اسیدپاشی می کند یاتولوژی یابیماری شدیدتری دارد.

عُوامُلي داريم كه فرد خودش قُرباني خشــونت ستُ او در خانواده این خشونت و تحقیر را دیده و تکرار دیدن آن باعث شــده که در ذهن او ماندگار شود. دیدن آن باعث شده که در ذهن او ماندگار شود. بین افراد حومه نشین و حاشیه نشین - فرقی ندارد روستا یا شــهر - افرادی بار می آیند که عزت نفس پایین تری دارند و منزوی و گوشه گیر هستند. آنها از نظر روانکاوی فشمي را كه بايد جايي ابراز مي كردند، عليه خشونت پدر، تبعیض های اجتماعی، شرایط نامناسب اقتصادی، پدر، تبعیض های اجتماعی، شرایط نامناسب اقتصادی، فرهنگی واجتماعی جای دیگری ابراز می کنند.

ر کار خانی دری کار کی اگرواردبحث تاثیر پذیری فکری وسیاسی هم شویم، کسانی که عزت نفس پایین تری دارندبیشتر تحت تأثیر القائات قرار می گیرند و نیازی که در درون برای ارضای یر خودشـــان دارند، باعث میشود کارهای این چنینی بزنند. در مــواردی چون عملیات انتحاری نیز می دانیم که غیــر از بحث پول، افرادی که

AR.

وقتی بحث خشـونت پیش می آیــد، باید فرهنگ،

فيواسط و قانسون در نظر گرفته شدود حيرا که هنچ

ر بست و مسوری در ستر عرب مستود پستر ۱ مینی نستونتی خارج از ضوابط قانونسی و فرهنگی و عرفی

تُ نمی گیرد. بعضی از خشــونتُ ها از قبل تعیین دهاند، کاری که گروهی خودسرانه تصمیم به انجام

آن می گیرند و انجام می دهند. اگر قانون وجود داشته باشد و جلوی آنها را بگیر دیگر هر کسی نمی تواند در مورد شیوه زندگی مردم نظر بدهد اگر ضابطه بگذارند

دیگر به صورت غیرقانونی نمی توانند خُشونتی بر زنان روا کنند. چـون اگر قانونی برای زنان باشـد باید برای

ر روست چون برای برای رست چیبری مردان هم باشد. اگر ایرادی برای نوع پوشش خانیهها می گیرند باید نسبت به آقایان هم حساس باشند. چرا که در غیر این صورت خشــونت و فرق گذاشتن است و

همینُ فَقَدَانَ صَابُطُه باعث مُی شوْدافُرآد به طور خودسرُ آقدام به مجازات یکدیگر کنند، اتفاقی که در هیچ کجای

دنيانمى افتدكه نظر شخصى افرادجاى قانون باشد.اين در برخــی مواقع هم هویت واقعیشــان مشــخص

نمی شود وقتی قانون نباشد یا اجرا نشود هر فردی به خود اجازه می دهد که اعمال خشونت کند و چون

. خانهها قدرت ندارند بیشتر مورد چنین خشونتهایی واقع می شوند. چرا این حق را به خودم می دهم؟! برای



كمبودتختهاي روانيزشكي وخشونت عيان درجامعه

ر القائات خاص قرار می گیرند و بیشتر به این کار ها تمایل دارند. کسی که اسیدپاشی می کنداز نظر شخصیتی به قدری دچار ضعف است که به راحتی تحت تأثیر یک تفکر، مطالعه یا حرفهای دیگران قرار می گیرد و این تأثيرُ البته در ادامه تَاثيراتي اسـ

كودكُى با آنهامواجه بوده است.

مردان نسسبت به زنسان تحقير و

خشونت , وا مے دارند این است که

مىخُواھندُبەاينُوسيلەخودرابالا بېرند.فردباخودمىگويداگرمردم

یر-بی سب که در زندگی شخصی خودش از لازماستبهشوخىزشت ىبەروىزنانودختران ی چــرجـبودهاست. اُسیدپاشــی نهایت خشــونت و تحقیر اســت. یکــی از دلایلی که كه باب شده و خود نوعي از خشونتاستنیزاشاًرهکنی. اینشوخیکهباعث تحقیر است خودنوع ساده ترى از سادیسماست.چنینفردی حاضراستبرایلذتبردن خوداز نظر روانی بلایی سر دیگرانبیاورد.

ر می بدرست سی مسس ــر می کنم و با اسیدپاشــی می توانم یک کشور را تحت تأثیر قرار دهم و در این کار هم موفق می شوند. آنها باأین عمل یک کشور را بهم می ریزند دو این آنها را از نظر درونی ارضا می کند چنین فردی با خود می گوید من که می توانم یک تنه از نیروی پلیس فرار کنم پس آدم مهمی هستم و واقعا هم هست چون با کاری که کرده یک کشــور را بهم ریخته است و این تحقیرهای درونیاش راارضامی کند.

رری بار ر از ســوی دیگر ما با شــخصیتهای ضداجتماعی (anti social) طرف هســـتیم. فرد ضداجتماعی به دنبال نیازهای شخصی خود است. او کلاهبرداری و دزدی می کند تا یک نیاز عینی را پاسخ بگوید و پول

بهدست آورد. اما این فرد آن قدر باهوش است که به دست پلیس نیفتد. حالا ممکن است در روند دزدی یا کلاهبرداری مرتکب قتل شوداما چنین فردی نمی آید به صورت کسی اسیدبپاشدوحتی این فردهم می گوید چنین کاری از من بر نمی آید.

ایمجسی ہے۔۔۔۔ انحرافات جنسمی یعنمی بحث '' ا «سادومازوخیسی» اشیاره کنیم. افرادی هستند کهاز آزار دادن یا آزار دیدن لذت می برند یک سادو یک مازوخ در کنار هم قرار می گیرند و به همین جهت مشاهده می کنیم که زنی ۴۰ سال با مردی معتاد که او را کتک مے زدہ زندگی می کند اورا ننگ می رده رددیی می نند. از نظر علمی فرد سادیست از دیدن زجر کشیدن دیگران لذت می سرد و این لذت نشان دهنده ضعف درونی و کم سودن اعتماد

به نفس است. این که فرد اسپدیاش از ایجاد رعب و ے ''ر ۔ سی ی میخواہند تبعات کارشـــان را ب فيابان مي آيند؟ يام داني كه خشونت انجام مي دهند، مىخواھندآزمايش كُنندكەھمس ، مونت را تحمل کند و تا کجا کنار آنهامی ماند. هرچه شــتر شــود آن فرداحساس قدرت بیشتری می کند. فرداسیدپاش می داند که همه شهر

دنبال او هستند و باز هم این کار را انجام می دهد چون دنبال او هسسد و بر مم بین حرر ... - بی بر _ می خواهد بداند تا کی می تواند ایسن کار را ادامه دهد. این هم ثابت شده است که فردی که یک بار کاری را نجام دهد بار دوم برایش راحت تر است. به خاطر همین، افراد قاتل سریالی می شوند. با این کار احساس قدرت بیشتری پیدا می کنند و اسطوره می شوند نام افرادی چون «بیجه» یا «خفاش شب» ماندگار شده است. این ہرں ۔۔۔ وسط فضای مطبوعاتی نیز هست که نیازمند خوراک است و آنها را بیشتر نشـــان میدهد تا جایی که گاهی می شنویم عدهای می گویندباز خوب است در کشور مان داعش نداریم. داعش همین است. داعش همان فرادی اند که جلوی چشم همه، مردم رامی کشند و به

و می اندازند. کرم است به شوخی زشت آب پاشی به روی زنان و دختران که باب شده و خود نوعی از خشونت است نیز اشداره کنم. این شوخی که باعث تحقیر است خود نوع ساده تری از سادیسم است. چنین فردی حاضر ت برای لَذْتُ بردن خَــود از نظر روانی بلایی ســر سب برای سب برس صوب رسر روی دیگران بباورد. این تحقیر باز هم به عزت نفس پایین فرد برمی گردد. اغلب این افراد بیکارند و از طبقه پایین اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمدداند. آنها باآب پاشی باعث می شوندزنان و دُخُتران بترسندواحساس ضعف کنندو فرد آب پاش بــه آنها می خندد و با این شــیوه احساس قدرت می کند. یکی از کار هاباید برخور دسریع بااین افراد باشد. اینجاست که بحث شکایت زنان مطرح بااین افراد باشد. اینجاست که بُحث شکایت زنان مطرح می شود. آنها باید شکایت کنند تا افراد بدانند که مورد تعقیب قرار خواهند گرفت و امنیت نخواهند داشت تا این حرکتُهاکاهش پیُداکندُ طنز، یک مُکانیز مدفاعی است. فردبه خودمی گوید خوب شدبرای من این اتفاق نیفتاد و برای این که استرس اش کاهش پیدا کند از آن واقعه حرف مي زند و آن را به شوخي مي گيرد تا به اين وسیله از فشاری که روی خودش است کم کند و جالب است که گاهی کسانی که روی آنها آب می پاشند در دل

می گویندخداروشکراسیدُنبود. نکته دیگر مجازات فرداسسید ر ،یینپس سبت.ما هنوز نمیدانیم با اسبیدُپاشهای قبلی چه کردهاند مسأله مجازات اس: افداد آنه: که مجازات ایسن افراد آنقدر کش پیسدا می کند که اصل موضوع زیر سسوال میرود. آیا اسسیدپاش های قبلی نصاص شَــدند؟ ایا مجازات به حدی بود که فرد دیگر اِبه این کار ترغیب نکند؟ چون شــاید تنها چیزی که ارد بیمار را از چنین کاری بازدارد ترس از عواقب آن ر ۱۰۰۰ ر ر ر پ یی رک. باشد. باید ببینیم با افراد قبلی چه کردهاند و باید قانون مشـخصی برای مجازات این افراد وجود داشته باشد. فقدان قانون مشخص می تواند باعث تکرار این عمل خشونت آمیز شود می گویند فرد به اشد مجازات می رسُدامااشدُ مجازُات چیسَّت؟ این که فرد را ۲۰سَال به زندان بیندازند اشد مجازات اسـت؟ یا اعدام است؟ عدام نمى تواند باشد چون ساده ترين راه مجازات كسى،

در چنین مواردی کشــتن فرد مجرم حتی انسانی ر بین موردی است. مسأله دیگر پیشگیری است. سال هااز زمانی که اسیدپاشی در کشور اتفاق می افتد، می گذرد و اکنون تبدیل به وسیلهای شده که فرد با آن نهایت خشم نُ می تواند بیکاری یافقدان خدمات روانپزشکی باشد. گر به پــدری که خود بیمار روانی اســت خدمات ارایه سی کردیم، فرزنداو دچار بیماری شدیدتری نمی شد که سيديم؟ از نظر روانشناختي به مبحث تحقير مي رسيم که ممکن است مصرف مواد، مشکلات اقتصادی، حمایتهای اندک از سیستم و خانواده آن را به وجود آور ده باشد. متاسفانه وقتی مســالهای در کشور اتفاق , ورعه بسند مصنعت و بعني مستندي در حسور العان مى افتد همه مردم از هر قشرى با شدت و هيجان از آن حرف مى زنند و بعد كه مسأله ديگرى پيش مى آيد آن . مۇرە فرامۇش مىشود و پرداختن بە آن و پىشگىرى از آننادیده گرفتهمی شود.

. بندیده در هندمی شود. وزیر بهداشت برای اولین بار اعلام کرده است ما ۴ قرار تخت روانپزشکی کم داریسم و اینجابه لاوم پیشگیری تأکید می کنیم پیشگیری از فقر، اعتیاد، افسردگی یا بیکاری و شرایط نامناسب خانواده که بر مآناند عامات می شده سا فســردکی یا بیداری و شرایط نامناســب حانواده که میتواند عامل چنین خشونتهایی باشد. پیشگیری ی . بایــداز طریــق قانــون، ســازمانهای حمایتی چون بهزیســتی و خدمات روانپزشــکی صورت گیرد. فقط گرفتن مجرمان كافي نيست مهم اين اُست كه زمينه بروز اتفاقاتي از اين دست رازبين ببريم

بازنگرىمدنى،راهىبراىكاهش خشونت عليه زنان

مردان روا میدانند، برای زنان هم روا بدانند اميليا نرسيسانس ر کرر کی از زمانی کـه به یاد دارم مسـاله اسیدپاشــی را داشته ایم. سال هاست که با این مسأله مواجهیم یعنی حتی در دهه ۴۰ هم این اتفاق ها می افتاد و هنوز هم ادامه دارد. نکته قابل توجه این است وقتی به مسأله خشونت علیه زنان مینگرم در اولین نگاه بهنظرم می رسد که این قانون است که مشکل دارد و باعث دامنه دار شدن خشونت علیه زنان می شود به این معنا که قوانینی که که این نوع از خشونت همیشه از طرف مردان به زنان بوده و عُکس اُن را که زنی چُنینُ خُنْ رادرموردمردی روابدارد،ندیده آیم. ریشه یابی این مسأله باید توسط اقسار متفاوت جامعه که مدعی مربوط به زنان می شود آنها را در درجه پایین تری نسست به مردان قرار می دهد و اهمیت آنها را تفکر هستند صورت بگیرد تا بدانیم چه چیزی

نادیدهمی گیرد. به اضافه این کــه در جامعه هم ظاهـــرا ارزش باعث می شود مردان به خودشان اجازه دهنداین نوع رفتار رابروز دُهندو چه چیزی از این رفتار آنها ئيبانىمىكند جتماعی و فرهنگی خانهها جا نیفتاده اس ... ت ص ممکن است یک سری از قوانین موجب چنین نگرشی شده باشندیاساده نگری هاومهم ندانستن زنــان و اصولا جدی نگرفتن این قشــر از جامعه حضُور زناُن را در پیشبُرد جامعه حُس می کنیُم آنطور کهبایدنقش واهمیت وارزش آنهانهادینه رسان واصور مینی مسترین داد. دلیل چنین رفتارهای خشونتباری علیه زنان شده باشد. به هر صورت اگر جنبههای قانونی اجرا شود و در قانون به اهمیت و ارزش و حقوق نتیجه چنین دیدگاهی همین است که بعضی از مردان به خود اجازه می دهند که منجر به ایجاد زنان توجه شُود، مي توانيم سراغ معرفي فرهنگي م برویم. در معرفی فرهنگی ساده ترین راه حل هم برویم. در معرفی فرهنگی ساده ترین راه حل احترام بیشتر به سیمای زن است که رسانه ها می توانند از طریق تبلیغات این جنبه را کم کم

همه گیر کنند چراکه وقتی آدمها برای هُمدیگر

احترام قایل شوند، باعث می شود دیگر فراقانونی

باشد که با چنین افرادی برخُورد کند، کسانی که به خودشان اجازه هر رفتار خشونتجاری می دهند

این که قانون تا چه حد به مقابله با خشونتهای

گار نکنند. دسی بنا بیست در جامعه، دید تربیت کند. اگر قوانین لازم و کافی وجود د

، بنا نیست در جامعه، دیگری را

ر براس، خوب درایی سند. ترور ووحشت بین خانهها شوند. عملی که ظاهرا راحت هم صورت می گیرد. در حالت سـطحی و مقیاس کوچک،متلکهایی است کهدر خیابان ها مى شنوندُو بدرفتارىهايى است كهبا أنها صورت می گیرد و حالاهم که بـه صورت علنی و عینی مسأله اسیدیاشی خود را مطرح می کندو دل هر شهروندی را به در دمی آورد.

شهروستی را بدترنامی ورد. برای جلوگیری از نگاه و رفتار خشــونت آمیز نســـبت به زنان نیاز بــه بازنگری مدنــی داریم. بازنگری به این معناســت که حقوقی را که برای



آیامیتوان از کنار خشونت گذشت؟



۔ دنت علیہ زنان، همان گونه که ---همگان بر آن واقفند، امری است دارای ابعاد و اشکال گوناگون که از دیرباز و در بسیاری از کشورهای جهان نیز نمود داشته است. خشونت همچنان که دارای اشکال گوناگون است و از هر منطقه به منطقه دیگر تفاوتهای شایانی دارد، نوع برخورد جامعه و دولت هانیز در گسترش یا سرکوب آن بسیار موثر است کمااین که برخی از کشــورهااز قوانینی برخوردارنــد که می تواند بسیاری از خشونتها را مدیریت کرده و با اعمال قانون از گسترش آنها جلوگیری به عمل آورند از روی را سوی دیگر چنانچه بخواهیم این آسیب اجتماعی را ریشه یابی کنیم، باید دو بعد را برای آن در نظر نگیر بها در گام نخست، نگاه جامعه به این مقوله ت و این که چطور با کسسانی که به ۰ روی می آورند، مواجه می شود. زمانی که عدمای به صورت خُودسر در سطح جامعه یا در خانواده، جلوههای گوناگونی از خشــونت را رقم می زنند، آیا جامعه در مواجهه با آنها عکس العملی مناسب دارد؟ یا این که چطور عده ای به خرود اجازه مے دھندنوع جدیدو متحجری از خشونت یعنے ليدروي افرادراً أَغَازُ كنندُ؟ آيانگاه پاشسیدن اسسیدروی حرسر . . . ر جامعه در مواجهه با آنها نگاه درست و واکنشی به ۱۲ - ۱۲ - ۲۰ گ م. که در این خصوص موقع است؟ اما بعد دیگری که در این خصوص دارای اهمیت است، بعد قضایی و حقوقی است.

رایج علیه زُنان میپردازد؟ در بسیاری از مواقع ما ئىاھدايىن مشكل ھستيم كە زمانى كە يك قانون امکان و قدرت عملیاتی شدن ندارد و نمی تواند چیزی را در جامعه جابیندازد، به ناچار به موارد دیگری متوسل می شود که عُدم جا افتادن یک قانون را توجیه کند.اما واقعیت این است که مردم جامُعهُ هُرُ گز در مواجهه با چنیــن مواردی تاب نمی آورند و بالعکس تلاش می کننــد که رو در . بی رو رو . روی آن بایستندو از خود دفاع کنند اما پرسش روی ن ییست کو آیا می توان از کنار این خشونتها گذشت؟ و آیا جامعه می تواند در مقابل این نوع از جلودهای بسیار عمیق خشونت ایستادگی کند؟ ی کسانی می توانند بهراحتی خشونت را در جامعه گسترش دهندو از انواع بسیار عجیب آن نیز بهره گیرند، چرامانتوانیم در مقابل این افراد بایستیمو ماهم به همین شکل با آنها روبه روشویم؟ اما بسط چنین نگاهی در جامعه، خود عامل گسترش ر چومرج و یی قانونی می شود. هرج و مرجهایی که خود عامل اصلی بیقانونیهای گســـترده در جامعه خواهد بود. بدون شک چنانچه در مُقابلُ این موارد با قدرت و آگاهی نایستیم، نمی توانیم انتظار داشته باشيم كه جامعهاي آرام و سالم داشته واز خشونتهای مختلف درامان بمانیم و این هم در سایه خواست مردم و از سویی همکاری ت دولت و نهادهای متولی امکان پذیر



قانون، كجاست؟

این که قانونی نیست که جلوی اینها را بگیرد. اگر این افراد می دانستند که فرد آسیب دیده می تواند شکایت کند و به نتیجه برسد چنین اتفاقاتی ۱ کمتر شاهد

.. سأله دیگر که در این خشونتها نقش دارد، فرهنگ جامعه است. گاهی آفراد یک جامعه خودشان مُمکن است نسبت به مسائلی معترض شــوند که در جوامع درحال توسعه این اعتراض اغلب در مورد خانمهاست هانظارت اجتماعي ونگاه مُردَمُ باعث ميشود

ررر که افراد کار خلاف نکننــد. اما در شهر بیشتر شاهد این خشونتها هستیم چون نظارت اجتماعی نیست. بنابر این باید قوانین طوری باشد که بتواند جلوی این خشونتها را بگیرد. مردم در شهر مالیات میدهند که قوانینی وضع و اجرا شود که جلوی اعمال خشونت علیه آنهارابگیردو کسی به آنهازور نگویدو آزار نرساند وقتی در جامعه ریہ ر ر ر ر ر کی ر . نظارت نیست و قانون هایی هم که هست اجرانمی شود، نمی توان جلوی این خشونتها را گرفت.

جوی بین مستونامه را بروترا شدن می تواند در حتی قانون بدهــم در صورت اجرا شدن می تواند در پهپودایس اوضاع نقش داشته باشد. می گویند هر کشــوری با بدترین قانون می تواند خود را اداره کند اما بهترین قانون اگر اجرایی نشود، قانون حساب نمی شود.

آزار و اذیت نیز بر قشــر ضعیف یــک جامعه اعمال یشــود که اغلب خانهها هستند. همین تفکر باعث ی می شود کهر چه پیش بیاید بگویند تقصیر خانم هاست و آنها را مجرم بدانند. در حالی که می توان حتی از زنی که روسپیگری می کند پرسید چه اتفاقی برایش افتاده که چُنینَ روَز گاری دارد بُعد ریشــههای آن مشخص میشود و می توان او را در مان کرد اما زن ها حتی وقتی میخواهنداز آزارهاشکایت کنندراه به جایی نمیبرند -چونقانونبه آنهامي گويد ثابت كن!

۔ افــرادی کــه خشــونت اعمال میکننداگر قانون بر اُنهانظارت کندفرصت ایس کار را نخواهند قوانين هم هر كحاكه خواست مردم بوده اگر طبق آنهاقانونگذاری شده باشد به داشت. بهطور مثال امارات کشوری کوچک در هُمُسایگی مااست. ُچُر راحتی اجرایی می شود. چرا وقتی به دوبسی می رویم چهار راه و چراغ قرمز رانگاهمی کنیم امااین جا فراددر جامعه زور می گویند؟ آقایان خودشان قانونگذاری حتی وقتی چراغ سبز است و عابر وخودشان هماجرامى كنندو پیاده دارد رد میشود، خودروها از خط کشی رد میشوند و رانندگان خودشان همراضي اندوشرايط ٔ زنان رادر نظر نمی گیرند نمی گویند کے باید توقیف کنم قانون اجرایی نمی شودو این اجرا

روهای نظارتی هم گاهــی آن را نقض ت ىلكە نى میکنند چون تصور می شود قانون برای اقشار ضعیف است. می دانیم که وقتی پدر خانواده قانونی را اجرا نکند از بچههانمی شود توقع داشت آن را اجرا کنند

نكردن قانون فقط مختص مردم

رهبر مادورهنمود دارند که اگر اجرایی شـود می توان جلوی این قبیل مسـائل را گرفت ایشــان می گویند شایستهسالاری یعنی افرادی که مناسب باشند، سر کار ۔ باشند و دوم این که در مقابل کارها پاسخگو باشیم. ما گاهی افراد شایسته نگذاشته ایم و برای همین گاهی به خانهها بُرچسبهایی میزنند و اُنها را متهم میکنند درحالی کههمینهانقلاب کردهاند

ُدر اسلام هر کسی نمی تواند امر به معروف کند و این کار ۱۰ شرط دارد. مثلا باید در آن محل همه آن فرد را به صداقت بشناسند وازروى حرفش برداشت بدنكنند . تابه فرد آسیب نزند ممکن است این کار اثر نامطلوب بگذارد و فرد را لجباز کند ضمن این که اینها دولتی نیست. اگر آموزشها در ست به مردم داده شود مردم خودشان بهترین برداشت رامی کنند. فرانین هم هر کجا که خواست مردم بوده اگر طبق

آنها قانونگذاری شده باشد به راحتی اجرایی می شود. چرا افسراد در جامعه زور می گویند؟ آقایان خودشان قانونگذاری و خودشان هم اجرامی کنند و خودشان هم راضی اند و شرایط زنان را در نظر نمی گیرند. اینجاست ر کی در سرب می بیندووقتی به زن آسیب می زنید، که خانواده آسیب می بیننسد، یک عدمای بقیه افراد جامعه هم آسیب می بیننسد، یک عدمای آگاهانه و ناآگاهانه کاری می کنند که بگویند اسلام ت. اگر ما فقط دو رهنمود مقام ر معظم رهبری را که توضیح دادم اجرا کنیم هیچ کس به خود حق نمی دهد هر کاری خواست بکند چون باید